

# بررسی و تحلیل عناصر داستان «مدیر مدرسه» جلال آل احمد

نادر ابراهیمیان

مدرس دانشگاه پیام نور و مراکز آموزش عالی مازندران و دبیر دبیرستان‌های بابل  
دکتر ابراهیم ابراهیم تبار، دکتر حسن گودرزی  
استادیاران دانشگاه بابل

می‌کند. درون‌مایه داستان مدیر مدرسه در کل خوب و پرمعنی است. طرح (پیرنگ) این داستان آن چنان قوی نیست اما نسبت به دیگر داستان‌های جلال آل احمد پرمایه‌تر است.

**کلیدواژه‌ها:** داستان، زاویه دید، شخصیت، پیرنگ، گفت‌وگو، لحن، مدیر مدرسه، جلال آل احمد

## عناصر داستان در رمان مدیر مدرسه جلال آل احمد بخش اول: شخصیت

یکی از ویژگی‌های کتاب مدیر مدرسه، ساختار آن است و اولین مرحله در این ساختار، ورود شخصیت اصلی به محیط کوچک و محدود مدرسه است. او از محیطی بزرگ‌تر (اجتماع) فرار کرده و به اینجا پناه آورده است. نکته درخور بیان اینکه هرگونه شخصیت‌پردازی در مدیر مدرسه خارج از حال و هوای ایرانی نیست. اگرچه جلال آل احمد «در شیوه پرداختن به شخصیت‌ها به نوع

حالت عجله و سریع رد شدن از موضوع آشکار است اما او به ساختار داستان و عناصر ضروری آن توجه نشان می‌دهد و به کمک شگردهای مختلف روایی، برای داستان خود جذابیت و گیرایی می‌آفریند. داستان‌های جلال آل احمد دارای روایت خطی‌اند و بیشتر حوادث آن‌ها به ترتیب زمانی اتفاق افتاده‌اند. داستان مدیر مدرسه از زاویه اول شخص مفرد (من‌نویسی) روایت شده است.

جلال شخصیت‌های داستان‌هایش را با استفاده از دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم معرفی می‌کند و در این راه از سه ابزار توصیف شخصیت، گفت‌وگو، و کنش (اکسیون) بهره می‌گیرد. گفت‌وگو (دیالوگ) در داستان مدیر مدرسه جایگاه ویژه‌ای دارد. لحن کلی و عمومی داستان مدیر مدرسه جدی، استوار، شفاف، تند و تیز همراه با طنز و لحن گفتاری شخصیت‌ها متناسب با نوع داستان است. جلال در صحنه‌پردازی به جزئیات زمان و مکان وقوع حوادث توجهی شایان دارد و در بسیاری از موارد صحنه‌ها را کوتاه و گذرا اما بسیار زیبا و دل‌نشین طرح

## چکیده

در این مقاله عناصر داستان در مدیر مدرسه جلال آل احمد مورد بررسی قرار گرفته است. این عناصر عبارت‌اند از شخصیت، روایت و زاویه دید، طرح، گفت‌وگو، صحنه، درون‌مایه و لحن. بررسی این عناصر نشان می‌دهد که داستان مدیر مدرسه علاوه بر ارزش محتوایی از جهت ویژگی‌های داستان‌پردازی نیز دارای اهمیت فراوانی است. البته کم‌حوصلگی جلال در نقل بعضی از قسمت‌های داستان

شخصیت‌پردازی در داستان‌های غربی چشم‌داشته اما این تأثیرپذیری در سبک است نه در مضمون.» (شکری، ۱۳۸۶: ۳۸۹)

جلال درباره شخصیت‌پردازی در مدیر مدرسه می‌گوید: «از فردینان سلین در شخصیت‌پردازی داستان مدیر مدرسه الهام گرفته‌ام.» سپس می‌افزاید: «من در مدیر مدرسه از کتاب «سفر به انتهای شب» تأثیر گرفتم.» (میرآخوری، شجاعی، ۱۳۷۶: ۱۹۳)

با این همه اثرپذیری آل احمد از رمان «بیگانه» آلبر کامو را نباید فراموش نکرد.

## انواع شخصیت ۱. شخصیت‌های انسانی و غیر انسانی

جلال آل احمد در داستان مدیر مدرسه فقط از شخصیت‌های انسانی بهره گرفته است. این اشخاص عمدتاً نام خاص ندارند و از آن‌ها با عناوین کلی ناظم، معلم، دانش‌آموزان و ... یاد می‌شود؛ زیرا در بیشتر مواقع ذکر نام شخصیت‌ها ضرورتی ندارد و به پیشبرد ماجرا کمکی نمی‌کند.

## ۲. شخصیت‌های اصلی و فرعی

شخصیت اصلی در این داستان، همان مدیر است که دو ویژگی بسیار مهم اخلاقی دارد:

«اول آنکه منزه‌طلب است؛ به این معنا که به هیچ وجه نمی‌خواهد خود را آلوده تباهی و فساد کند. دوم، شخصیت اصلی در فکر تغییر وضع موجود به شکل فراگیر است.» (شیخ‌زایی، ۱۳۸۲: ۱۶۴)

گذشته از شخصیت اصلی داستان، کسانی هم که او را احاطه کرده‌اند؛ «کم‌وبیش آن قدر که لازمه سیر سرگذشت است، زنده و باروراند.» (پرهام، ۱۳۷۲: ۳۳۹)

«ناظم، به‌عنوان مهم‌ترین شخصیت ثانوی پس از مدیر مدرسه، حضور فعالی در سیر داستان دارد و راوی، ناظم را به‌عنوان یک شخصیت اداری به تمام معنی معرفی کرده است و مهارت او را در اداره مدرسه نشان می‌دهد. در عین حال، به محیط خانوادگی، میزان تحصیل و وضعیت مادی ناظم اشاره نموده است:

«سال پیش دانشسرای مقدماتی درآمده بود. یک سال گرمسار و کرج کار کرده بود و امسال آمده بود اینجا. پدرش دو تا زن داشته. از اولی دو تا پسر، که هر دو چاقوکش از آب درآمده‌اند و از دومی فقط او مانده است که درس خوان شده و ...» (آل احمد، ۱۳۸۷: ۲۱)

حتی استقلال در رفتار و کردار برای خود را محفوظ می‌داند؛ حتی به خود مدیر اجازه نمی‌دهد که وارد حیطة اقتدار ناظم شود. از شاگردان بزرگ‌تر مدرسه برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند. «توی بچه‌ها مأمور هم داشت...» (همان: ۶۱)

«با شاگردان درشت، روی هم ریخته بود که خودشان ترتیب کارها را می‌دادند...» (همان: ۲۶)

«فراش جدید» که شاخص‌ترین شخصیت پس از مدیر و ناظم مدرسه است و نقشی تعیین‌کننده در داستان ایفا می‌کند، در مواقعی بسیار به کمک معلمان می‌شتابد و در حل و فصل بسیاری از مسائل مدرسه، مهارتی بی‌نظیر دارد. او نه تنها کادر مدرسه را در حل مشکلات یاری می‌کند بلکه به‌صورت بانک متحرکی هم درمی‌آید و در مواقع تنگدستی و تأخیر در وصول حقوق، به همه معلمان مدرسه پول قرض می‌دهد:

«در مدرسه ما، فراش جدیدمان پولدار بود و به همه‌شان قرض می‌داد و کم‌کم بانک مدرسه شده بود.» (همان: ۶۳)

مدیر درباره او می‌گوید: «اگر دو تا از معلم‌ها تجربه و سابقه او را داشتند و اگر همه در کارمان پختگی او را داشتیم، بچه‌های مردم یک ساله فیلسوف می‌شدند.» (همان: ۴۴)

از شخصیت‌های ثانوی دیگر، «معلم کلاس چهارم» است که با توجه به هیکلش، مدیر او را چون مدیرکل می‌داند. او در بسیاری از مجلس‌های رسمی، حرف‌زن مدیر است اما سرانجام با یک ماشین آمریکایی تصادف می‌کند و از صحنه خارج می‌شود. معلم‌های کلاس‌های سه، پنج، شش، اول، دوم، فراش قدیم، معلم زن، شاگردان و حتی مادر یکی از بچه‌های مدرسه هر کدام در مقطعی، داستان را تحت تأثیر خود قرار

می‌دهد:

«روز اول که دیدمش، دستمال آبی نازکی سر کرده بود و پیراهن نارنجی به تن داشت و تند بزک کرده بود... این بود که دفعات بعد دست به سرش می‌کردم اما او از رو نمی‌رفت. سرراغ ناظم و اتاق دفتر را می‌گرفت تا زنگ را بزنند و معلم‌ها جمع شوند و ...» (همان: ۸۶-۸۵)

## ۱. شخصیت مخالف

در داستان به نوعی شخصیت مخالف وجود ندارد. ناظم گاهی سر ناسازگاری با مدیر دارد اما این ناسازگاری‌ها را به‌خاطر مدرسه و نظم آن تحمل می‌نماید. به نظر می‌رسد مدیر همیشه با خود درگیر است و در اصل مخالف واقعی، درون اوست. در شخصیتش مبارزه‌ای در کار است بین آدمی که می‌خواهد راهش را بکشد و برود و کاری به کسی نداشته باشد و آدمی که می‌خواهد بماند و بجنگد: «شکست از این نیست که مدیر دیگر نمی‌تواند بگریزد و او می‌خواهد بجنگد اما حریفی در کار نیست و اگر هست به جنگ او نمی‌آید، شکست این است.» (بهار، ۱۳۴۳: ۲۸۰)

## ۲. شخصیت‌های نوعی (تیپ یا تیپیک)

آل احمد در مدیر مدرسه بسیاری از شخصیت‌ها را وارد داستان خود می‌کند. برخی از این شخصیت‌ها، چهره‌های کاریکاتوری دارند؛ به‌طوری که هر یک از آن‌ها نماینده یک خصوصیت‌اند و تا پایان داستان هیچ تغییری و تحول نمی‌یابند. تنها شخصیت واقعی این رمان، که وحدت داستان پیرامون آن شکل می‌گیرد، مدیر مدرسه است:

«مدیر ویژگی‌های تیپ روشنفکران متعهد اما ناامید را دارد و از این نظر می‌تواند وضعیت نسل آگاه و ناکام بعد از کودتای ۲۸ مرداد را نشان می‌دهد.» (شکری، ۱۳۸۶: ۳۹۲)

مدیر مدرسه آل احمد تیپی است نسبتاً فردی که در پایان کاملاً به‌صورت یک فرد درمی‌آید. او کاملاً عوض می‌شود. او نماینده تمام مدیر مدرسه رشوده است.

**دنباله مطلب در وبگاه نشر به**